

297658 - آیا طلب کردن امور دنیا، باعث جلب غم و اندوه می‌شود؟

سوال

در ویدئویی این سخن را شنیدم که: «هیچ بنده‌ای چیزی از امور دنیا را نخواست، مگر آنکه به همان اندازه دچار غم و اندوه گشت». این سخن چقدر درست است؟

خلاصه‌ی پاسخ

عبارت ذکر شده در سؤال، از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت نشده است. همچنین هیچ نهی صحیحی درباره‌ی دعا کردن برای خیر دنیا وارد نشده و ثابت نیست که چنین دعایی باعث جلب نگرانی و غم شود. آنچه در شرع از آن هشدار داده شده، سرگرم شدن به دنیا به گونه‌ای است که انسان را از آخرت باز دارد، یا اینکه مال دنیا از راه غیر حلال طلب شود.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

اولاً:

اطلاق این عبارت به این صورت کلی، بدون شک باطل است؛ زیرا مردم همواره از پروردگارشان حاجت می‌خواهند و در آنچه از امور دین و دنیا بر آن‌ها پیش می‌آید، به او پناه برده و رغبتشان را به درگاه الهی بزرگ می‌گردانند.

در شرع هیچ نهی از طلب خیر دنیا یا تلاش برای آن وجود ندارد. آنچه مورد نهی و نکوهش است، این است که بنده هیچ دغدغه و مشغولیتی جز دنیا نداشته باشد و برای آخرت تلاش و رغبتی نشان ندهد.

الله تعالی می‌فرماید: **فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ * وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ** [البقرة: ۲۰۰-۲۰۲] (پس

برخی از مردم می‌گویند: پروردگارا، در دنیا به ما [نیکی] عطا کن؛ و آنان را در آخرت بهره‌ای نیست. و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی [عطا فرما] و ما را از عذاب آتش نگاه دار. آنانند که از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای خواهند داشت، و الله زودشمار است).

از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که به او گفته شد برادرانت از بصره نزد تو آمده‌اند تا برایشان دعا کنی. او

گفت: «خدایا ما را بیامرز و بر ما رحم کن و در دنیا به ما نیکی عطا فرما و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگاه دار». آن‌ها خواستند که بیشتر دعا کند، او دوباره همان را تکرار کرد و گفت: «اگر این [دعا] به شما داده شود، قطعاً خیر دنیا و آخرت به شما داده شده است». (بخاری در الأدب المفرد: ۶۳۳؛ آلبانی آن را صحیح دانسته است)

بلکه برعکس، دلایلی قاطع بر مشروعیت طلب خیر دنیا وجود دارد:

از عایشه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این دعا را به او آموختند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَازَبَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا** (بارالها! من از تو تمامی خیر را می‌خواهم؛ چه زودرس (دنیوی) و چه دیررس (آخری)؛ آنچه را که از آن باخبرم و آنچه را که نمی‌دانم. و به تو پناه می‌برم از تمامی شر؛ چه زودرس و چه دیررس؛ آنچه را که از آن باخبرم و آنچه را که نمی‌دانم. بارالها! من از تو بهترین چیزی را می‌خواهم که بنده و پیامبرت از تو خواسته است، و به تو پناه می‌برم از شر آن چیزی که بنده و پیامبرت از آن به تو پناه برده است. بارالها! من از تو بهشت را می‌خواهم و هر سخن یا عملی که مرا به آن نزدیک کند، و به تو پناه می‌برم از آتش (دوزخ) و هر سخن یا عملی که مرا به آن نزدیک کند؛ و از تو می‌خواهم که هر قضای (مقدری) که برایم رقم زده‌ای، سرانجامش را خیر قرار دهی). (ابن ماجه: ۳۸۴۶؛ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

انس می‌گوید: روزی بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وارد شدم، در حالی که کسی جز من، مادرم و خاله‌ام (ام‌حرام) حضور نداشت. ایشان آمدند و فرمودند: «آیا با شما نماز نخوانم؟» و این در زمانی غیر از وقت نماز [واجب] بود. مردی از میان جمع [بعدها] پرسید: انس را در کدام سمت خود قرار داد؟ [انس] گفت: او را در سمت راست خود قرار داد. سپس با ما نماز خواند و برای ما - اهل آن خانه - هر خیری از خیر دنیا و آخرت را دعا کرد. آنگاه مادرم گفت: ای رسول خدا، این خدمتکارِ کوچکِ شما (انس) است، برای او [به‌طور خاص] به درگاه الله دعا کنید. پس ایشان برای من هر خیری را دعا کردند و در پایان دعایشان فرمودند: **اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ، وَبَارِكْ لَهُ** (خدایا مال و فرزند او را زیاد کن و برایش برکت قرار ده). (بخاری در الأدب المفرد: ۸۸)

ثانیاً:

تنها دو مورد در برخورد با دنیا نکوهش شده است:

مورد اول: اینکه دنیا نهایتِ دغدغه و تلاش بنده باشد. یعنی انسان هیچ سهمی برای آخرت در نظر نگیرد و حتی دعای او (که از بزرگترین عبادات است) همگی صرفاً برای دنیا باشد.

از اُبی بن کعب روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «این امت را به سربلندی، نصرت و قدرت مژده بده؛ پس هر کس از آنان عمل آخرت را برای [رسیدن به] دنیا انجام دهد، در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت». (احمد: ۲۱۲۲۳؛ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

و از زید بن ثابت - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «هر کس دنیا دغدغه اصلی‌اش باشد، خداوند کارهای او را پراکنده می‌سازد و فقر را پیش چشمش قرار می‌دهد و از دنیا جز آنچه برایش مقدر شده به او نمی‌رسد؛ و هر کس آخرت نیتش باشد، خداوند کارهایش را سامان می‌دهد و بی‌نیازی را در قلبش قرار می‌دهد و دنیا در حالی که رام و ناچیز است به سوی او می‌آید» (ابن ماجه: ۴۱۰۵).

به همین دلیل پیامبر - صلی الله علیه وسلم - همواره دعا می‌کردند که دنیا اوج خواسته‌ها و بزرگترین دغدغه ایشان نباشد:

از ابن عمر روایت است که گفت: کمتر پیش می‌آمد که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از مجلسی برخیزند، مگر آنکه این دعاها را برای یارانشان بخواند: **اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ مَا تَهْوَنُ بِهِ عَلَيْنَا مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَمَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا، وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا»** «...وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا» (بارالها! از خداترسی خود چنان نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی‌هایت پرده و مانع شود؛ و از طاعتت چنان بهره‌ای به ما بده که ما را به بهشتت برساند؛ و از یقین چنان بهره‌ای به ما ببخش که با آن، سختی‌های دنیا را بر ما آسان گردانی. و تا زمانی که ما را زنده می‌داری، ما را از گوش‌ها، چشم‌ها و توانمان بهره‌مند ساز و آن‌ها را وارث ما قرار ده (تا دم مرگ برایمان نگاه دار)؛ و انتقام ما را از کسانی بگیر که به ما ستم کرده‌اند، و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان. و مصیبت ما را در دینمان قرار مده، و دنیا را بزرگترین دغدغه و نهایت دانش ما مگردان، و کسی را که بر ما رحم نمی‌کند، بر ما مسلط مفرما).

به روایت ترمذی (۳۵۰۲) آلبانی آن را حسن دانسته است.

مورد دوم:

اینکه محبت دنیا چنان بر بنده چیره شود که برایش فرقی نکند آن را از حلال به دست می‌آورد یا حرام.

از ابو امامه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «روح القدس در قلب من دمید که هیچ جانی نمی‌میرد تا آنکه روزی‌اش را به طور کامل دریافت کند؛ پس در طلب آن، راه نیکو را پیش بگیرد و دیر رسیدن روزی، شما را وادار نکند که آن را از راه معصیت بجوید؛ زیرا آنچه نزد خداست جز با طاعت او به دست نمی‌آید».

به روایت ابو نعیم در «الحلیة» (۱۰/۲۶) و غیر آن؛ آلبانی آن را صحیح دانسته است.

و بر اساس این دو معنا است که سخنان کسانی که از سرگرم شدن به دنیا یا درخواست امور دنیوی هشدار داده‌اند، تفسیر و درک می‌شود؛ آن دو معنا عبارتند از: ۱. غرق شدن در دغدغه‌های دنیا به گونه‌ای که انسان از پرداختن به آخرت باز بماند. ۲. طلب دنیا از هر راه ممکن، بدون آنکه بنده اهمیتی بدهد که آن مال از راه حلال به دست می‌آید یا حرام.

ابومعاویه اسود می‌گوید: «هر کس که دنیا بزرگترین دغدغه‌اش باشد، فردا در قیامت اندوهش طولانی خواهد بود».

و مسلمة بن عبدالملک می‌گوید: «همانا کم‌دغدغه‌ترین مردم در آخرت، کسانی هستند که در دنیا دغدغه و غم کمتری [برای دنیا] داشتند». به روایت ابن ابی الدنيا در «ذم الدنيا» (۲۸۳، ۲۸۴).

خلاصه آنکه:

عبارت ذکر شده در سؤال، از پیامبر ﷺ ثابت نشده است؛ همچنین هیچ سخن صحیحی از ایشان مبنی بر نهی از دعا برای خیر و نیکی دنیا روایت نشده و این مطلب نیز صحت ندارد که دعا برای امور دنیوی، باعث جلب غم و اندوه می‌شود.

تنها چیزی که در نصوص شرعی بر آن تأکید شده و از آن هشدار داده شده، دو مورد است: سرگرم شدن به دنیا به گونه‌ای که انسان را از پرداختن به امور آخرت بازدارد، و طلب کردن دنیا از راهی غیر از راه حلال.

والله اعلم.